روزنامه سیاسی، فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی
صاحب‌امتیاز و مدیرمسؤول: محمد آخوندی
سردبیر: سید عابدین نورالدینی
نشانی: خیابان انقلاب اسلامی، بین حافظ و خیابان ولیعصر(عج)، کوچه سعید، پلاک ۹
روابط عمومی: ۶۶۴۱۳۷۹۲ تحریریه: ۶۶۴۱۳۷۸۳ نمابر: ۶۶۴۱۴۱۳۷
پیامک: ۱۰۰۰۲۲۳۱ پست الکترونیک: info@vatanemrooz.ir
چاپ: موسسه جام‌جم برتر برنا توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰
وطن امروز

حضرت امام صادق(ع):
عافیت، نعمتی سبک وزن است؛ تا هست، فراموش می‌شود و چون رفت، به یاد می‌آید.

تلویزیون

فصل دوم «خانه امن» ساخته می‌شود

تهیه‌کننده سریال پرمخاطب «خانه امن» گفت: پس از پخش فصل اول این سریال و استقبال کم‌نظیر بینندگان و درخواست مخاطبان، فصل دوم سریال ساخته می‌شود.

به گزارش «وطن‌امروز»، ابوالفضل صفری گفت: پس از پایان پژوهش، تحقیقات و طراحی قصه‌ها، نگارش «خانه امن ۲» توسط تیم نویسندگان آغاز شده است. وی ادامه داد: فصل دوم خانه امن مانند فصل نخست برگرفته از پرونده‌های واقعی امنیتی کشور است. در این فصل کار در ابعاد ملی است و تمرکز روی پرونده‌های ضدجاسوسی و ضدتروریسم است. صفری تاکید کرد: کارگردانی فصل دوم مانند فصل اول برعهده احمد معظمی است و با توجه به بازخورد فصل اول، تصمیم سازمان صداوسیما و سیمافیلم بر این است که فصل دوم نیز ساخته شود.

چالش‌های فرهنگی کشور روی میز «بدون توقف»

برنامه تلویزیونی «بدون توقف» این هفته در قالب مناظره به مسائل فرهنگی کشور خواهد پرداخت. به گزارش «وطن‌امروز»، با توجه به اهمیت مسائل فرهنگی، جوانانی از طیف‌های مختلف جامعه در قالب گفت‌وگو در برنامه «بدون توقف» این هفته به رفع چالش‌ها و شبهات مربوط به فرهنگ می‌پردازند. «بدون توقف» با موضوع چالش‌های فرهنگی کشور از شنبه ۲۶ تیر بعد از خبر ساعت ۱۹ از شبکه ۳ سیما در حال پخش است. برنامه چالشی-ترکیبی «بدون توقف» به تهیه‌کنندگی رضا غلامحسین‌نژاد و سردبیری ابراهیم جلالیان کاری از گروه اجتماعی شبکه ۳ سیماست که شنبه تا چهارشنبه بعد از خبر ساعت ۱۹ پخش می‌شود.

تشکیل شورای کودک و نوجوان در معاونت سیما

معاون سیما پس از بازدید از بخش‌های مختلف شبکه کودک در جمع مدیران این شبکه از ضرورت تشکیل شورای کودک و نوجوان در معاونت سیما گفت.

به گزارش «وطن‌امروز»، حمید شاه‌آبادی، معاون سیما پس از بازدید از بخش‌های مختلف شبکه کودک در جمع مدیران این شبکه گفت: عزم جدی و توجه ویژه به حوزه کودک طی سال‌های اخیر در فضای رسانه ملی صورت گرفته است و ریاست محترم سازمان صداوسیما هم عنایت خاصی به این بخش داشته‌اند. شاه‌آبادی نگاه بلندمدت به تولیدات رسانه‌ای برای این قشر را ضروری دانست و گفت زیرساخت محتوایی لازم فراهم شده است. معاون سیما با تاکید بر اینکه خوشبختانه در حوزه برنامه‌سازی کودک، مراقبت‌های ویژه و تخصصی انجام می‌شود، بیان کرد: با توجه به تولیدات شبکه پویا و نهال، تولیدات ما به استانداردهای تربیت اسلامی نزدیک است و آنچه تولید می‌شود یا از طریق تامین به دست می‌آید، مراقبت‌ها و صیانت‌های حاصل از ترویج سبک زندگی ایرانی-اسلامی را دارد. وی عنوان کرد: برای این کار لازم است مراکز مرتبط با حوزه کودک و نوجوان همراه و همگام شوند که برای این منظور وجود شورای کودک و نوجوان در معاونت سیما ضروری است و مدیران شبکه‌های کودک و امید و رئیس مرکز پویانمایی صبا باید کارهای مشترک منجر به هم‌افزایی را در دستور کار قرار دهند. شاه‌آبادی تأکید کرد: با استفاده مناسب و اصولی از شخصیت‌های خلق شده، می‌توان از آن برای انتقال مفاهیم، پیام‌ها و برندسازی شخصیت‌های محبوب ایرانی-اسلامی بهره برد.

موسیقی

شنیدن روایت علی‌محمد مؤدب از «عاشقانه‌های پسر نوح»

آلبوم موسیقی «عاشقانه‌های پسر نوح» با اشعار و خوانش ادبی علی‌محمد مؤدب از سوی مرکز موسیقی حوزه هنری بزودی منتشر خواهد شد. به گزارش «وطن‌امروز»، نوازندگی ویولن این آلبوم را علیرضا دریایی، امین عطایی و حسین پارسافر عهده‌دار بوده‌اند. مجموعه‌شعر «عاشقانه‌های پسر نوح» اثر علی‌محمد مؤدب است. وی که طی این سال‌ها مسؤولیت مؤسسه شهرستان ادب را بر عهده داشته، در این مجموعه برخی دلمشغولی‌های خود را در ارتباط با جهان و اتفاقات پیرامونش در قالب شعر بیان کرده است؛ دل‌مشغولی‌هایی که برخی ریشه در محرومیت‌ها و بعضی معضلات اجتماعی در داخل محدوده مرزهای جغرافیایی کشورمان دارد و برخی دیگر به واسطه اتفاقات ناگواری چون ظلم و تبعیض در سراسر دنیا برای شاعر پدیده آمده است و مودب که خود زاده تربت‌جام یکی از شهرهای محروم کشورمان است، با درک این محرومیت‌ها و تبعیض‌ها با زبان زیبای شعر به نقد آنها پرداخته است. اغلب سروده‌های کتاب کوتاه و در عین حال صمیمی و اثرگذار هستند و به نظر می‌رسد همین صمیمیت موجود در تک‌تک اشعار موجود در کتاب باعث دلپذیرتر شدن آن برای مخاطبان شده است. «عاشقانه‌های پسر نوح» یکی از برگزیدگان جایزه قیصر امین‌پور که توسط انتشارات شهرستان ادب منتشر شده، تاکنون ۲ بار تجدید چاپ شده است.

درباره «کورسرخی»؛ روایت مهاجری که به ایران پناه آورده است

روایت جان و جنگ

رعنا مقیسه: نزدیک‌ترین مواجهه‌ام با افغانستان و اهلش برمی‌گردد به سال‌های دانشگاه و یک دوستی اتفاقی. دختری اهل افغانستان که خودش و همه خواهر و برادرهایش متولد و بزرگ‌شده ایران بودند. همین هم بود که جز اخبار رسانه‌ها و نوعی احساس تعلق و رنج درونی از آنچه در کشورش می‌گذشت، تصویر دیگری از افغانستان نداشت؛ من هم. جز این هیچ پیوند نزدیک و دقیقی با مردم افغانستان نداشته‌ام و جز تصاویر مقطع و نام گروه‌های مختلف که هر چند وقت یک بار از رسانه‌ها پخش می‌شوند، چندان از افغانستان نمی‌دانستم. برای من که هیچ وقت جنگ را به چشم ندیده‌ام و در امنیت وطن کودکی کرده‌ام، کلماتی هستند که معنای دقیقی ندارند؛ جنگ‌زده، مهاجر و حتی وطن آنطور که عالیه عطایی در «کورسرخی» می‌نویسد؛ «یک بار در مصاحبه‌ای گفته بودم «من نویسنده‌ام، نه سرباز» اما در تمام مدت نوشتن این روایت‌ها سرباز شکست‌خورده‌ای بودم که دلش برای اینکه نتوانسته خاکی را تسکین دهد و جز کلمه چیزی برای گفتن ندارد، تپیده. و اوووه که چه پروسه‌ای... و حالا دارم می‌بینمش که به تعداد تک به تک کسانی که بخوانندش تکثیر خواهد شد و بلکه قراری، تابی، تحملی...». این جملات عالیه عطایی است درباره «کورسرخی»؛ تازه‌ترین اثرش که ۹ روایت است از سال‌ها زندگی، دور از وطن جنگ‌زده و دردمند آن. نوشته‌هایی که سال‌های اشغال افغانستان توسط کمونیست‌ها، روزهای حکومت طالبان و بعد هجوم آمریکا را از دریچه زیست شخصی نویسنده بازگو می‌کند. کورسرخی تماما روایتی است از واقعیت. لحظات و روزهایی از زندگی روزمره نویسنده که اتفاقا عجیب و پرپیچ و تاب نیست. بستر وقوع یک اتفاق است بسادگی همه اتفاقات زندگی آدم‌ها در کوچه و خیابان. واقعیت؛ بی‌آنکه واجد ویژگی منحصربه‌فردی جز تجربه شخصی باشد، به کلمه درآمده و خواندنی شده. پس کورسرخی یادآوری دوباره‌ای است برای واقعیت و منبع عظیم، عمیق، تمام‌نشدنی و بکری که بی‌چشمداشت برای روایت در اختیار ما گذاشته. مملو از لحظات ساده و همزمان تاثیرگذار و پر از حس‌های انسانی که می‌شود به میانجی ادبیات به اشتراک‌شان گذاشت.

علاوه بر این، روایت‌های عالیه عطایی نمونه خوبی است برای ناداستان‌نویسی که تماما به واقعیت تکیه کرده. کورسرخی را می‌توان خواند و دوباره به توانایی «روایت» برای به کلمه درآوردن واقعیت با همه لحظات روشن و تاریکش فکر کرد؛ ژانر مهمی که در ۲ دهه اخیر ادبیات فارسی به فراموشی سپرده شده بود و حالا خوشبختانه انگار دوباره پا گرفته و توانسته به ادبیات مستقل از داستان، جان دوباره‌ای ببخشد.

کتاب، روایت رنج و اندوه و بی‌گناهی و دلتنگی همیشگی یک مهاجر است و همزمان آینه تباهی و جنگ و خون و کینه و نفرت او از آنچه در وطنش به وقوع پیوسته است. «آخ چه بیزارم از شما که ما را کشتید و می‌کشید. بیزارم. از شما بیزارم که خاک‌مان را میراث‌دار درد و رنج کردید... شما که سال‌هاست در تماشای ذبح ما کورسرخی دارید». نویسنده با مساله‌ای درونی و عمیق دست‌وپنجه نرم می‌کند و کتاب حاصل گره خوردن لحظات و وقایع روزمره زندگی است با درگیری‌های درونی و تمام‌نشدنی او. نوعی فقدان و حس بی‌پناهی و حتی مساله‌ای به نام هویت که می‌کوشد از پس خاطرات و نشانه‌ها و گفت‌وگوها و اتفاقات ساده زندگی، راهی برای نزدیک‌تر شدن به خود/ وطن و پر کردن این فقدان همیشگی پیدا کند؛ آنجا که می‌نویسد: «جهان برای مهاجر از شکلی به شکل دیگر تبدیل می‌شود. می‌چرخد و مختصاتش جابه‌جا می‌شود اما نه آنقدر که آدمی سرگردان از جنگ را به همان نقطه‌ای برگرداند که روزی چمدان رفتنش را بسته... کسی که روزی در خانه‌اش را از ترس جان بسته، چطور می‌تواند به خانه‌ای برگردد که کلیدش را به دست بیگانه‌ها سپرده؟ که چیزی را بسازد؟... مهاجر که در یک منطقه‌ای مابین مرگ و زندگی رها شده، لابد برمی‌گردد تا خودش را بیابد، غافل که خانه ویرانه‌اش خشت به خشت به دست نامحرمان افتاده».

همین نسبت واقعی و عمیق نویسنده با سوژه، در کنار سادگی در پرداخت، ما را با لحظات روایت‌شده در کورسرخی همراه و همدل می‌کند. کلمه‌ها در کورسرخی دور از تکلف و جمله‌ها دور از پیچیدگی‌های استعاری است. همه چیز در کمال سادگی و صراحت برگزار می‌شود و مخاطب را بی‌واسطه در احساسات انسانی نویسنده شریک می‌کند.

تجربه سال‌ها مرزنشینی و معاشرت با آدم‌هایی که حتی در زوریخ و برلین، وجه مشترکی با دنیای نویسنده داشته‌اند، نقطه قوت اصلی «کورسرخی» است. روایت، اساسا از تجربه باکیفیت زیست شخصی است که فرصت متولد شدن پیدا می‌کند و جان می‌گیرد. و کورسرخی این فرصت را مدیون زیست نویسنده است که به همه چیز با چشمی دردمند و مساله‌مند نگاه کرده. تصاویر سال‌های دور مرزنشینی و همزیستی با هموطنان مهاجرش را به یاد آورده، معاشرت با آشنایان دور و نزدیک را غنیمت شمرده، به کابل سفر کرده و صادقانه از احساساتش نوشته و برای تجربه لحظات هولناک عبور از مرز بی‌تشریفات قانونی، با یک قاچاقچی همسفر شده. با این حساب می‌توان گفت کورسرخی یادآور اهمیت تجربه باکیفیت زیستن است برای خلق نوشته‌های خواندنی و ماندگار.

کتاب را زمستان ۹۹ نشر چشمه منتشر کرده است؛ جلد هفتم از مجموعه مشاهدات که به‌سرعت به چاپ دوم هم رسید و برای نزدیک شدن به تجربه مهاجران و اهالی افغانستان در این روزهای جنگ و ویرانی دوباره، حتما انتخاب خوبی است.

پایتخت فراموشی

کتاب «در پایتخت فراموشی» یک دوره فشرده و تلگرافی افغانستان‌شناسی است؛ افغانستان‌شناسی با قلم کسی که از ۱۶ سالگی به افغانستان سفر کرده، سال‌ها در آنجا سکونت کرده و مسؤولیت داشته؛ از زبان کسی که پایش را در کوهستان‌های قره‌کمر بدخشان از دست داده است. محمدحسین جعفریان در میان سفرهای متعددی که به کشور افغانستان داشته، تنها بخشی از یکی از سفرهایش را در قالب کتابی با عنوان «در پایتخت فراموشی» ثبت کرده است. این سفر را جعفریان به همراه بهروز افخمی که آن زمان نماینده مجلس شورای اسلامی بود به منظور شرکت در مراسم سالگرد شهادت احمدشاه مسعود به افغانستان انجام می‌دهند. «در پایتخت فراموشی» روایتی است بسیار شیرین و جذاب از دیار فراموش‌شده افغانستان به روایت یک فعال فرهنگی که بخش وسیعی از عمر خود را در این کشور سپری کرده است. طنازی و شیرینی بیان جعفریان از زیر و بم این سفر با چاشنی روایت زبانی وی با لهجه دری افغانستانی به لذت خوانش این کتاب بیش از پیش افزوده است. از سوی دیگر این کتاب دقیقا دوره‌ای از افغانستان را روایت می‌کند که تنها ۶ ماه است حکومت طالبان تسلط بر این کشور را از دست داده و برای نخستین‌بار پس از ۳۰ سال، دولتی مرکزی در این کشور روی کار آمده است. جعفریان درباره این کتاب می‌گوید: من در چند بزنگاه تاریخی در افغانستان حضور داشتم. به خاطرم هست تنها ۲ روز قبل از شهادت دیپلمات‌های ایران در مزار شریف از این شهر به کابل رفتم یا در سفری که با رضا برجی به قندهار داشتیم، توانستیم ملاعمر رهبر طالبان را از نزدیک ببینیم اما منسجم‌تر از یادداشت‌های این کتاب، یادداشتی از سفرهایم ندارم.

روایتی از روزهای سخت مردم افغانستان

کتاب «زخم و افغان» که در کارگاه قصه و رمان مرکز آفرینش‌های ادبی حوزه هنری منتشر شده، روایتی متفاوت از مصائب مردم افغانستان محسوب می‌شود. این کتاب را سیدهاشم حسینی به نگارش درآورده و در یادداشتی درباره کتاب گفته است: کتاب «زخم و افغان» را ۱۳ سال پیش نوشته‌ام، آن موقع داستان کوتاه ۴۰ تا ۵۰ صفحه‌ای بود که با زبان فارسی و معمولی نوشته شده بود. داستان را به حوزه هنری آوردم، البته نقص‌های زیادی داشت و خدا را شکر در آن زمان چاپ نشد.

چند سالی روی کتاب‌های دیگر کار می‌کردم. سال ۸۲ یا ۸۳ که کتاب دومم به چاپ رسید، سراغ این داستان آمدم، البته بازنویسی دوباره نیز به زبان ساده بود ولی باز هم احساس کردم کار ضعیف است. از نظر نثر، داستان‌پردازی بیشتر جنبه‌های شاعرانه داشت. داستان را آقای محمدی، دوست نویسنده افغان من که برنده جایزه ادبی اصفهان شده، خواند. او معتقد بود استفاده از برخی واژگان افغانی فضا را بیشتر ترسیم می‌کند اما این پیشنهاد باعث شد که من تمام مکالمات را با زبان افغانی بنویسم. داستان پیچیده نیست. ماجرا مربوط به ارتشی‌هایی است که وارد روستایی پشتون می‌شوند که مذهب آنها سنی است. بزرگ این ده آنها را به دلیل خصلت میهمان‌پذیری می‌پذیرد اما ارتشی‌ها اهالی را اذیت می‌کنند. یکی از اهالی که زمینه قبلی برای انتقام داشته، درصدد انتقام بر می‌آید و تعدادی را می‌کشد و ماجرا به این شکل ادامه پیدا می‌کند.

جوایز جشن مستقل سینمای مستند ۱۵ مرداد اهدا می‌شود

۱۵ مرداد مراسم پایانی و اهدای جوایز دوازدهمین جشن مستقل سینمای مستند ایران برگزار می‌شود.

به گزارش «وطن‌امروز»، شهرام درخشان رئیس دوازدهمین جشن مستقل سینمای مستند ایران با اشاره به اینکه با دریافت آثار در موعد مقرر، کار هیات ۹ نفره انتخاب برای تماشای آثار تمام شد، افزود: بر این اساس و طبق تقویم برگزاری با اعلام اسامی آثار راه یافته، داوری آثار نیز بلافاصله آغاز خواهد شد و بدیهی است اعضای هیات انتخاب نیز در روز اعلام آثار راه یافته، معرفی خواهند شد. وی تصریح کرد: با توجه شرایط پیک جدید کرونا برگزاری حضوری مراسم پایانی مانند سال‌های گذشته مقدور نیست اما در نظر داریم در موعد مقرر یعنی ۱۵ مردادماه مراسم پایانی و اهدای جوایز را برگزار کنیم و ترکیبی از روش نیمه‌حضوری و آنلاین را برای برگزاری مراسم پایانی دوازدهمین جشن مستقل سینمای مستند ایران در نظر داریم.

درخشان با اشاره به سختی‌های برگزاری جشن با کمترین بودجه و امکانات اظهار کرد: بدون تردید برگزاری جشن مستند به عنوان یک رویداد هنری و مطرح در سینمای مستند که اعضای خانه سینما در آن شرایط حضور آثار دارند، دارای اهمیت فراوانی است و به‌رغم مشکلات متعددی که در مسیر برگزاری این جشن وجود دارد اما مصمم هستیم برگزاری آن را با کیفیت مطلوب به پایان برسانیم و سکان آن را به برگزارکنندگان دوره سیزدهم تحویل دهیم.

۲ سریال حضرت یحیی(ع) و هیبت در راه تولید

تیم تولید پروژه تلویزیونی «یوسف پیامبر(ع)» به دنبال تولید ۲ سریال تازه برای عرضه در شبکه نمایش خانگی است. به گزارش «وطن‌امروز»، حامد حقیقت، مدیرعامل موسسه نگار فیلم تبیان با اشاره به ۲ پروژه سریالی که قرار است در این موسسه به تولید برسد، گفت: ۲ پروژه «حضرت یحیی(ع)» و «هیبت» را در دست تولید داریم که در ادامه کارهای قبلی و تاریخی ماست. وی با اشاره به پژوهش‌ها در این حوزه بیان کرد: در قصص تاریخی پژوهش‌های تاریخی مفصلی نیاز است، دوستانی که در همین حوزه صاحب اثر هستند تحقیقاتی دارند و باید بر اساس پژوهش‌های متقن جلو رفت و خیلی نمی‌توان در این حوزه وارد تخیل شد. وی با اشاره به تجربیات قبلی این موسسه در ساخت سریال «یوسف پیامبر(ع)» به کارگردانی زنده‌یاد فرج‌الله سلحشور، عنوان کرد: تجربیاتی در این عرصه برای ما وجود داشت که بر اساس این تجربیات سریال حضرت یحیی(ع) را به تولید می‌رسانیم. حقیقت درباره وضعیت این سریال به مهر گفت: در حال حاضر ۲ سریال در دست تولید داریم که از ۲ سال پیش مراحل پژوهش و نگارش «حضرت یحیی(ع)» شروع شده و سریال «هیبت» هم حدود یک سال و نیم است در مرحله پژوهش قرار دارد. وی افزود: سریال «هیبت» امروز به مرحله پیش‌تولید رسیده و انتخاب لوکیشن‌ها و لباس و صحنه در شمال کشور انجام شده تا سریال را طی ۳-۲ ماه آینده جلوی دوربین ببریم. سریال «حضرت یحیی» هم تا پایان امسال وارد پیش‌تولید و بعد تولید می‌شود و در حال حاضر کارهای مقدماتی آن هم در حال انجام است.

اعلام برندگان جشنواره کن

«قهرمان» جایزه ویژه هیأت داوران را گرفت

آیین اختتامیه جشنواره فیلم کن برگزار شد و نخل طلای این دوره به ژولیا دوکورنو برای فیلم «تیتان» اهدا شد؛ همچنین جایزه بزرگ هیات داوران به صورت مشترک به اصغر فرهادی برای فیلم «قهرمان» و یوهو کوئوسمانن برای ساخت «اتاقک ۶» رسید. به گزارش «وطن‌امروز»، مراسم اختتامیه جشنواره فیلم کن در حالی برگزار شد که ۵ زن و ۳ مرد سینماگر به ریاست اسپایک لی، کارگردان آمریکایی، فیلم‌های بخش مسابقه هفتادوچهارمین جشنواره کن را داوری کردند.

■ **جوایز بخش فیلم کوتاه**

نخل طلای فیلم کوتاه جشنواره به فیلم «همه کلاغ‌های جهان» ساخته تانگ یی رسید و در بخش فیلم کوتاه از یاسمین تنوچی به خاطر «آسمان آگوست» تقدیر ویژه شد. همچنین در این مراسم مارکو بلوکیو، کارگردان، فیلمنامه‌نویس و سیاستمدار ۸۲ ساله ایتالیایی که از سال ۱۹۶۲ تاکنون مشغول فعالیت هنری بوده، دومین نخل طلای افتخاری را دریافت کرد. اولین نخل طلای افتخاری روز افتتاحیه به جودی فاستر اهدا شده بود. آنتونتا آلامات کوزیانوویچ نیز برای «مورینا» برنده دوربین طلایی (بهترین فیلم اول) جشنواره شد.

■ **جوایز بخش اصلی**

در این مراسم بر اساس آرای هیأت داوران جوایز بخش رقابتی جشنواره کن ۲۰۲۱ به شرح زیر اعلام شد. نخل طلای جشنواره به ژولیا دوکورنو برای «تیتان» رسید، جایزه بهترین بازیگر مرد به کلب لندری جونز برای بازی در «نیترام» اهدا شد، رنتا راینسو برای «بدترین فرد در جهان» جایزه بهترین بازیگر زن را به خانه برد، جایزه بهترین فیلمنامه به «ماشین من را بران» ساخته ریوسوکه هاماگوچی رسید و لئو کاراکس برای «آنت» جایزه بهترین کارگردانی را از آن خود کرد. جایزه بزرگ هیأت داوران جشنواره نیز به صورت مشترک به «قهرمان» ساخته اصغر فرهادی و «اتاقک ۶» ساخته یوهو کوئوسمانن تعلق گرفت. اصغر فرهادی پس از دریافت جایزه بزرگ این رویداد در سخنان کوتاهی گفت: از هیات داوران، گروهم که با تمام قلب‌شان با من کار کردند و خانواده‌ام که همیشه همراهم بودند بویژه دخترم که من را ترغیب کرد این فیلم را بسازم، تشکر می‌کنم.

■ **اسپایک لی تمام هیجان اختتامیه را به باد داد**

مراسم اختتامیه یک شگفتی بزرگ داشت و آن این بود که مجری مراسم پس از اهدای جایزه بهترین بازیگر مرد از اسپایک لی که به عنوان رئیس هیات داوران در کنار گروه داورانش نشسته بود سوال کرد: شما امشب به ما خواهید گفت چه کسی برنده نخل طلای کن می‌شود؟ و اسپایک لی در نهایت سادگی از جا برخاست و در حالی که کمی گیج شده بود کاغذش را به دست گرفت و نام «تیتان» را اعلام کرد. این در حالی بود که اعضای هیات داوری سعی داشتند مانع وی شوند و باورشان نمی‌شد او اینقدر ساده برخورد کرده باشد. میزان ساده‌دلی او آنقدر بود که طاهر رحیم، بازیگر فرانسوی و یکی از اعضای هیات داوری برخاست و او را در آغوش گرفت و بوسید و در گوشش احتمالا گفت: الان وقت گفتنش نبود! بدیهی است این سوءتفاهم اسپایک لی در معرفی برنده جایزه اول در تقریبا ابتدای مراسم موجب شد انفجاری در توئیتر ایجاد شود و در عین حال تماشاگران در تئاتر لومیر کن را بسیار شگفت‌زده کند و به نوعی تمام هیجان مراسم را به باد دهد.